

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

سید موسی عثمان هستی

۰۵.۰۵.۰۹

در جواب تهدید بزولان و نامردان دنباله رو

وطن پرستان دلیر را در هر جانی که گام گذارند (حتی اگر به طنز نویسی نیز بپردازند) توده ها القاب میدهند نه دولت های قلابی ویا لویه جرگه های امریکائی و استعمارگران

در سر زمین ما حرفی که یک بی سواد می زند همه ملت چه تحصیل کرده است چه بی سواد چوب بدست صحرا گرد آن حرفها را می دانند. در قندهار **سگ باز** و پای لچ شهرت دارند دربین پای لچ دیندار و بی دین پیدا کرده می توانید. پای لچ راست گو، صادق، با ناموس، غریب نواز، **ضد سرکش**، **ضدسر تنبه**، **ضد خود خواه** و **ضد ظالم** پای لچی یک مسلک است. می گویند پای لچی شکل دیگری از کاکه ها می باشد که در کابل و حوالی نام داشتند وگویا تاریخ آن با فراز و نشیب زیاد تا عیاران می رسد. در حالی که **سگ باز** بی مسلک است. شوقی می باشد **سگ باز** خوب و بد دارد مگر غیرت و شایستگی پای لچ را ندارد. اکثر **سگ بازان** بی بند بار استند مادر، پدر، زن اولاد خود را خوب نگهداری نمی کنند ولی **سگ** را از مردم اورپا و امریکا کرده نام خدا خوبتر و بهتر نگهداری می کنند ارزش **سگ** نزد **سگ باز** به مرا تب بیشتر از ارزش فامیلی است. چند وقت پیش ما و شما در میدیا شنیدیم که یک دخترک نوجوان را در بدل **سگ** در شمال افغانستان یک تن از **مجاهدین تفنگ سالار و بی وجدان** که زمانی از قومندانان "**احمدشاه مسعود شهید؟؟!!**" بود بدل کرد. حتی سر ناموس خود و دیگران بند و باز نیستند. میگویند وقتیکه **مارشال فهیم قسیم** خبر شد که زن را در بدل **سگ** معاوضه کردند او به جای اینکه دلش به ناموس وطن و انسان بسوزد چار نفر را نزد **سگ باز** و **جدان** فرستاد تا **سگ** بدل شده را به کابل بیاورند و "**مارشال فرمائی**" **سگ** را از نزدیک ببیند که این چطور **سگ** است که با انسان در قرن بیست و یک بدل شده است. میگویند وقتیکه **فهیم سگ** را دید به همفکر خود **سگ باز** و **جدان** گفت: اگر من هم می بودم زن خود را در بدل این **سگ** بدل می کردم و تا آخر از جنایت **سگ باز** حمایت کرد.

در تمام افغانستان وقتی بچه ها و یا جوانان **توپ دنده** بازی می کنند یا **اله داد** دو نفر میر یا سرکرده یا کلان کاراز بین بازی کنان بصفت میر مقرر می شوند اگر فرضاً تعداد **سی** و نه نفر باشد نژده نفر را یک نفر انتخاب می کند و نژده نفر را دیگر نفر **سی** و **نهم** تنها می ماند او را بنام "**بیضه سردار محمد هاشم خان**" یا د می کنند چرا این **نفرسی** و **نهم** را بنام **بیضه سر دار محمد هاشم خان** صدراعظم برادر **نادر غدار** یا د می کنند از خود قصه ای دارد

۱ - **سی** و **نهم** را **بیضه سردار محمد هاشم خان** یا نر ماده سینه بخاطری یاد می کنند که می گفتند **سر دار محمد هاشم خان** خنثی شده بود توسط **امیر حبیب الله خان** پسر **امیر عبدالرحمن خان** جلا د نفر **سی** و **نهم** که طاقه مانده بود بفکر آنها حیثیت یک خنثی « **نرماده سینه** » را داشت

۲ - شیرخط یکطرف یک افغانی را مردم شیر می گفتند یکطرف دیگر افغانی را خط و بازی را شیر خط میگفتند

۳ - یک طرف سنگ را به زبان تر می کردند یکطرف سنگ خشک می ماند آن را خشک وتر ویا "**ترخشکی**" می گفتند

۴- یک توته کاسه شکسته ویا کدام تیکر دیگر را می گرفتند . یک طرف آن رنگه بود ویک طرف آن سفید آنرا کیچ میگفتند

نفر سی ونهم را که بیضه سردار هاشم خان نر ماده سینه یاد می کردند، وقت تقسم یکی به دیگری می گفت: بابا شیر می گیری یا خط؟ یک افغانی را بالا می انداختن حتماً او را یکی می برد.

اگر پول نمی داشتند کیچ بدست می گرفتند می پرسیدند طرف گلدان را می گیری یا طرف بی گل را؟ بالا می انداختن حتماً یک شان می بردند. سی ونهم یا نفر از قطار مانده یا نر ماده سینه به آن می رسید

۴- اگر یک افغانی وکیچ نداشتند، یک سنگ چپات را می گرفتند به زبان یکطرف آن را تف می زدند بالا می انداختند حتماً یکی شان حتماً می برد نفرسی ونهم از قطار مانده طرف برنده می شد.

ضیا مسعود بخاطریکه از طرف جبهه متحد ملی کاندید شود مناسبات سیاسی و دوستانه خود را با حامد کرزی گدی کوکی امریکا خراب کرد اعضای "جبهه متحد ملی سی ونه پارچه" با ضیای مسکین جفا کردند عوض وی داکتر عبدالله عبدالله مزدور سر سپرده جنایتکاران مشهور را کاندید خود تعیین کردند. ضیا مسعود مجبور شد رفت در پهلوی گل آقا شیرزوی قندهاری والی جلال آباد پسر حاجی لطیف سگ باز. پیشتر گفتیم که پای لچ ها در قندهار مسلک وایمان و صداقت دارند ولی سگ باز ها به قول خود استاده نیستند.

اگر «پای سگ» در بین باشد دنبال پدر خود هم نمی روند. چون پای «حامد کرزی» در بین شد گل آقای شیرزوی خود را به کرزی مردانه!!!! فروخت. کرزی حاضر نشد که ضیاء مسعود را به "گل پوچک" بخرد من که از میدیا شنیدم که ضیاء مسعود برادر احمد شاه مسعود فقید؟؟؟! حیثیت بیضه سردار محمد هاشم خان یا نر ماده سینه را در انتخابات ریاست جمهوری بخود گرفت از کاندید ها خواهش می کنیم بیاس "قهرمان ملی احمد شاه مسعود؟؟؟!!" که یکی از قهرمانی های وی قرارداد سالنگ با روس ها بود، و ضیاء مسعود برادر او استاین بیچاره را که از قطار هم بازیهای سیاسی خود پس مانده وی را از خیرات سر پدر خود شیر خط یا ترو خشک و کیچ به مثابه نمره سی ونهم در بین خود انداخته هم ضیا مسعود را که در حقش جفا شده بحق برسانند و از حالت بیضه گری سردار محمد هاشم خان یا نر ماده سینیگی برون آرند وهم روح "قهرمان انقلابی!!!!!! احمد شاه مسعود فقید!!!!!!" را شاد بگردانند تا هم دار و دسته شورای نظار وسایت ها ونویسندگانی که به دار و دسته بینی بریده شورای نظار تبلیغ می کنند مس را طلا گفته و در بازار سیاست می فروشند از بدنامی خلاص شوند و در آینده دست از بی وجدانی بردارند وهم مردم فریب خورده وخوش باور ولایت پروان وکاپیسا و پنجشیر و ولایات شمال وخراسانی پرستان از این بینی بردگی پند بگیرند. دنبال هر بی حیثیت نروند واین تفنگ سالاران سگ باز چند جای فروخته شده بدانند که در بین مردم جای ندارند

نوت : در سرخط نوشته کردم حرفی را که یک صحرا گرد چوب بدست (چوپان) می زند همه ملت باسواد ویی سواد می داند. اگر باور ندارید تفسیر این نمره سی ونه را از هرافغان که پرسان کنید بشما تفسیر می کند نمره سی ونه را تمام ملت افغانستان می داند که چه معنی دارد ضرورت به تفسیر ندارد و اگر کسی خود را به کوچه حسن چپ می زند به من بنویسد من به وی نمره سی ونهم را چنان تفسیر کنم که یاد هفتاد پشت وی دیگر نرود.